

مهارت انتخاب کتاب فلسفی مناسب

برای ترجمه

دکتر جلال پیکانی

دانشیار گروه فلسفه دانشگاه پیام نور تبریز

چکیده

در مباحث ناظر بر ترجمه، بیشتر بر فن ترجمه و معضلات ترجمه تمرکز شده است و کمتر از انتخاب کتاب مناسب برای ترجمه سخن گفته شده است؛ اما به نظر می‌رسد بخش مهمی از موفقیت کار ترجمه، در همان انتخاب درست نهفته است.

در این مقاله می‌کوشیم عوامل و شرایط مؤثر در انتخاب درست کتاب را حسب تجربه نگارنده و نیز با رجوع به آراء و افکار برخی از مترجمان کشور برشماریم. کوشش می‌کنیم این مقاله بیشتر به مثابه ابزاری در دست کسانی قرار گیرد که به تازگی قصد دارند وارد قلمرو ترجمه شوند. طبیعی است که بحث ما به قلمرو ترجمه کتاب فلسفی محدود خواهد بود.



در این روزگار چیزی شبیه نهضت ترجمه در ایران به راه افتاده است و به خصوص در حوزه فلسفه، آثار ترجمه‌ای بر آثار تألیفی غلبه کمی و کیفی دارند و برخی‌ها، از جمله خود نگارنده، معتقدند که هنوز در حوزه فلسفه ترجمه بر تألیف تقدم دارد. بخش اعظم میراث فلسفی غرب به زبان فارسی ترجمه نشده است و از این رو هنوز تصویری دقیق از آن فلسفه در ذهن ما تشکیل نشده است. بنابراین لازم است این جریان ترجمه با سرعت و شتابی بیشتر و البته نظام‌مند پیش برود. این ایده را برخی‌ها مطرح کرده‌اند که چه خوب است که فرآیند ترجمه به صورت یک پروژه طراحی شده ملی پیش برود و مترجمان مطابق آن طرح به کار ترجمه پردازند. هرچند که تحقق چنین چیزی بسیار دور از ذهن می‌رسد اما دست‌کم می‌توان اصولی را تدوین کرد که مترجمان منفرد مطابق آن اصول به کار ترجمه پردازند. یکی از اصل‌های مندرج در چنان اصولی می‌توان بحث از چگونگی انتخاب متن و کتاب مناسب برای ترجمه باشد. پرسش اصلی این نوشتار این است که «معیارهای انتخاب یک متن برای ترجمه کدام‌ها هستند» طبیعتاً معیارهایی که برخواهم شمرد به استقراء فراهم آمده‌اند و در نتیجه می‌تواند تکمیل شود.

۱- تعیین انگیزه‌هایی روشن برای مترجمی

کاری به سرانجام رضایت بخش می‌رسد که، به مثابه شرطی لازم، بر اساس انگیزه‌هایی روشن و محکم و جدی آغاز شده باشد. این حکم درباره ترجمه نیز صادق است. بنابراین پیش از شروع کار، مترجم بایستی بداند که چرا و به چه دلایلی قصد انجام ترجمه را دارد. گاه فضای عاطفی و هیجانی شکل گرفته حول کار ترجمه و همچنین تصویری ساده از این فن، افراد را به این سمت سوق می‌دهد ولی بعد از شروع کار دشواری‌هایی که با آن مواجه می‌شوند، ادامه کار را برای ایشان دشوار می‌سازد. تعداد کتاب‌هایی که به قصد ترجمه شروع شده‌اند و هرگز به پایان نرسیده‌اند، از تعداد کتاب‌هایی که تمام و کمال ترجمه و منتشر شده‌اند به مراتب بیشتر است. بنابراین، لازم است کسی که به قصد ترجمه پای به میدان می‌گذارد، به این پرسش که «هدف من از ترجمه چیست؟» پاسخی درخور داشته باشد. پس از تعیین هدف، می‌توان متناسب با آن هدف متنی را برگزید، چون برای اهداف مختلف، متون متفاوت مناسب‌تر دارند. کسی که هدفش از ترجمه، صرفاً بدست آوردن شهرت و جایگاه است متنی متفاوت با کسی برخواهد گزید که به قصد ایجاد تحول در فرهنگ خود و یا افزایش ذخیره دانش زبان خود، و یا گشایش افق‌هایی نو، دست به ترجمه می‌زند. مقاله «چرا ترجمه مهم است» از ادیت گراسمن به خوبی و به طرز استادانه نشان می‌دهد که چگونه این مترجم خبره غایت و هدف ترجمه را برای خود ترسیم می‌کند. او در این مقاله نشان می‌دهد که چگونه برای مترجم شدن، به این پرسش مهم پاسخی درخور داده است، پاسخی که نه یک شبه، بلکه در طول سال‌ها پخته و تکامل یافته است: «چرا ترجمه مهم است؟ این موضوع چنان گسترده و پیچیده است، و من به قدری به آن علاقه دارم که تصمیم گرفته‌ام برای پرداختن به آن ابتدا این پرسش کلی را با پرسش دیگری پاسخ بدهم، و از روش پرسش در مقام پاسخ استفاده کنم، روشی قدیمی و شاید محک خورده برای نشان دادن دشواری کم و بیش لاینحل مسئله، و بی تردید، همانطور که هر معلمی می‌داند، روشی خوب برای به تعویق انداختن پاسخ

و حتی سردواندن پرسشگر تا پاسخ قابل قبولی به ذهنتان برسد که دست کم نشانی از منطق داشته باشد.» (گراسمن، ۱۳۹۱: ۲۹) وی بر این مبنا در این مقاله نشان می‌دهد که چگونه بر اساس هدفی که از ترجمه داشت به سمت ترجمه آثار ادبی معاصر آمریکای لاتین رفت و در این کار موفق هم شد.

۲- سنجش توان فنی مترجم

نه فقط متون، به لحاظ فنی در سطوحی متفاوت قرار دارند، مترجمان نیز طبیعتاً از سطح و توان فنی متفاوت برخوردارند. بنابراین، پیش از انتخاب متن، مترجم بایستی به نحوی یک آزمون تعیین سطح از خویش به عمل آورد تا ببیند که توان وی با کدام متون متناسب است. بسیاری از افرادی که متنی دشوار را برگزیده‌اند ولی پس از مدتی ادامه کار را از توان خود فراتر دیده‌اند. یکی از دلایل اصلی خطا در برآورد توان فنی خود، این است که اغلب افرادی که بدون آموزش در زمینه فنون ترجمه دست به کار ترجمه می‌شوند، از ظرایف و پیچیدگی‌های این

کار بی‌خبرند و گمان می‌کنند با دانستن لغت و گرامر زبان مبداء و صرف زمان می‌توان اثر ترجمه‌ای قابل قبولی عرضه داشت. در این باب مقالات و کتب فراوان وجود دارد که مترجم تازه کار حتماً پیش از پرداختن به ترجمه باید به برخی از آنها رجوع بکند. مثلاً نجف دریابندری «اصولاً کارهایی را ترجمه کرده که از پس ترجمه آنها برمی‌آمده است ولی همیشه سعی داشته با ترجمه این آثار خوانندگان خود را تحت تأثیر قرار بدهد و از اعتراف به نیت خود مبنی بر جهت دادن به مخاطب ابایی ندارد» (لرزاده، ۱۳۹۴: ۵۲).

نه فقط متون، به لحاظ فنی در سطوحی متفاوت قرار دارند، مترجمان نیز طبیعتاً از سطح و توان فنی متفاوت برخوردارند. بنابراین، پیش از انتخاب متن، مترجم بایستی به نحوی یک آزمون تعیین سطح از خویش به عمل آورد تا ببیند که توان وی با کدام متون متناسب است.

همچنین رجوع به نوشته‌های برخی از مترجمان مبرز بسیار مفید است،

چون اینان در گفتگوها و نوشته‌های خود عموماً به ظرایف فن ترجمه نیز اشاره می‌کنند. مثلاً عزت‌الله فولادوند می‌گوید: «یکی از اعتقادات من در زمینه برگرداندن آثار زبان‌های دیگر به زبان فارسی این بوده است که ترجمه باید تا حد امکان به متن اصلی وفادار باشد و مترجم باید از مبهم‌گویی یا شیرین‌زبانی خودداری کند و آنچه را نویسنده اصلی واقعاً در ذهن داشته و روی کاغذ آورده، به نحوی به زبان فارسی برگرداند که با روح زبان فارسی منطبق باشد. ممکن است در انتقال بسیاری از واژه‌ها، تعبیرات و اصطلاحاتی که همواره وارد فلسفه می‌شوند، بعضی اشکالات پیش بیاید، اما، به نظر من این نباید دلیل بر این باشد که روح زبان فارسی از متنی به کلی غایب شود و رخت بر بندد ... به هر حال، آنچه حتماً باید در نظر داشت و معمولاً از آن غفلت می‌شود گنجینه پهناور و گرانبهای ادب فارسی و آثار حکمای فارسی زبان است. برای بسیاری از اصطلاحات مشکل آفرین علوم انسانی و فلسفه غرب با کند و کاو و حوصله می‌شود معادل‌های زیبا در زبان ما پیدا کرد. زبان فارسی زبان پر سابقه و ورزش کرده‌ای است که قرن‌ها با مشکلات علمی دست و پنجه نرم کرده است. ما نباید بی‌اطلاعی و کاهلی خودمان را به حساب فقر زبان فارسی بگذاریم.» (غفوریان، ۱۳۹۱: ۲۶۴).

۳- زورآزمایی با متون ساده‌تر

هر حرفه و فنی طبیعتاً با کنش‌های ساده‌تر آغاز می‌شود و به سمت کنش‌های پیچیده‌تر می‌رود. ترجمه نیز چنین است. مترجم تازه‌کار بایستی به عنوان اصلی‌ترین مولفه صوری اثری که می‌خواهد ترجمه بکند، به سادگی آن بیش از سایر مؤلفه‌ها و خصوصیاتش اهمیت بدهد. نه فقط احتمال به سرانجام رسیدن متون ساده‌تر بیشتر است، اعتماد به نفس مترجم و انگیزه او برای ترجمه‌های بیشتر نیز فزونی می‌یابد. با رجوع به رزومه کاری مترجمان موفق می‌بینیم که اینان اغلب چنین کرده‌اند. البته استثناهایی هم وجود دارد. مثلاً نجف دریابندری کار ترجمه را با *وداع با اسلحه* همینگوی آغاز کرد و در همان آغاز کار بسیار خوش درخشید. البته فقدان ترجمه‌های دقیق و فنی در آن دوران، و تعداد کم آثار ترجمه‌ای، در موفقیت این اثر بی‌تأثیر نبود.

۴- حجم کتاب انتخابی

شاید گمان رود که ترجمه متون بلندتر و حجیم‌تر فقط زمان بیشتری می‌برد و اگر یک مترجم تازه‌کار به اندازه کافی باحوصله باشد، انتخاب متون بلند و حجیم مانعی ندارد اما حقیقت این است که ترجمه متون بلند و طولانی علاوه بر حوصله، به مهارت‌ها و فونونی دیگر نیازمند است که در اول کار به سختی ایجاد می‌شود. شاید بتوان تفاوت کتاب حجیم با کتاب کم حجم را به تفاوت میان شهر کوچک و شهر بزرگ تشبیه کرد. تفاوت در بزرگی دو شهر فقط تفاوت در ابعاد و کمیت نیست، بلکه به لحاظ جامعه‌شناختی بر شهر بزرگ قواعدی متفاوت‌تر حاکم است.

۵- ترجمه مقاله یا ترجمه کتاب؟

در راستای نکته‌ی اخیر این پرسش قابل طرح است که برای شروع کار ترجمه، انتخاب مقاله مناسب است و یا کتاب؟ طبیعتاً به دلیل حجم کمتر مقاله، انتخاب مقاله بر انتخاب کتاب ترجیح دارد. اما در انتخاب مقاله نیز چند نکته ظریف وجود دارد. نخست اینکه انتشار مقالات ترجمه‌ای اندکی دشوار است چون امروزه مجلات برای انتشار ترجمه مقاله چندان رغبتی ندارند، هرچند که در گذشته ماجرا به گونه‌ای دیگر بود، یعنی میزان مقالات ترجمه‌ای منتشر شده بیشتر بود. دوم اینکه، بسیاری از مقالات نویسندگان بزرگ ظرافت و پیچیدگی زیادی دارند و طبیعتاً ترجمه چنین آثاری نیز، با وجود حجم کم، کاری آسان نخواهد بود.

۶- مشورت با اهل فن

از آنجا که انتخاب کتاب برای مترجم تازه‌کار، امری است دشوار و بایستی عوامل و شرایط بسیاری، شامل عواملی که بدانها اشاره شد و عواملی که در ادامه مورد اشاره قرار خواهد گرفت، در نظر گرفته شود، مشورت با اهل فن می‌تواند گره‌گشا باشد. یک مترجم تازه‌کار می‌تواند برای شروع کار اثری را انتخاب کند که متخصص و مترجمی خبره که با سطح توانایی‌های او آشناست، معرفی کرده است. در مقدمه تعداد زیادی از کتب ترجمه‌ای مشاهده می‌کنیم که مترجم اثر به این نکته اشاره کرده است که این کتاب را به پیشنهاد فلان متخصص ترجمه کرده است.

۷- فقدان ترجمه در کدام زمینه‌ها بیشتر است؟

همان‌گونه که گفته شد، ترجمه در ایران پروژه‌های است دراز دامن که دست‌کم سال‌های سال یکی از مهمترین فعالیت‌های علمی و فرهنگی در این کشور خواهد بود. بنابراین، یک مترجم بایستی هم به عنوان نخستین اثر خود و همچنین در انتخاب قلمرو آثاری که در آینده ترجمه خواهد کرد، نیازها و مطالبات مخاطبان را نیز مد نظر داشته باشد. البته منظور از این سخن این نیست که مترجمان منحصراً آثاری را ترجمه بکنند که مخاطب می‌پسندد، که این آفتی است بس مهلک، بلکه خلأهای موجود را بایستی بررسی کرد و حداقل امکان اثری را برگزید که در آن زمینه مترجمان کمتر کار کرده‌اند. به طور مشخص در زمینه آثار کلاسیک فلسفه تحلیلی در زبان فارسی فقدان جدی داریم در حالی که، مثلاً، آثار حوزه مارکسیسم بیشتر ترجمه شده‌اند و اقبال مترجمان به آنها بیشتر بوده است، به طوری که کتابی با عنوان *کتابشناسی و راهنمای مارکسیسم*، آن هم در سال ۱۳۵۹، به زبان فارسی نوشته شده است. (دهگان، ۱۳۵۹)

دلیل فراوانی آثار مربوط به مارکسیسم این است که بسیاری از مترجمان، حتی مترجمان خبره، به جای توجه به خلأها، بیشتر به مزاج مخاطبان، و شاید مزاج خویش، توجه دارند و بیشتر به ترجمه اثری اقبال دارند که فروش بیشتری خواهد داشت.

۸- بررسی علایق ناشران

شاید یک مترجم نام آشنا بتواند نظر خود را بر ناشران تحمیل بکند، ولی یک مترجم تازه‌کار طبیعتاً پیش از شروع کار بایستی بداند که ناشران به چه گونه آثاری اقبال دارند. حتی برخی از ناشران خود کتابهای خاصی را برای ترجمه سفارش می‌دهند. این گزینه برای شروع کار ترجمه می‌تواند مطلوب باشد، هرچند که بعدها مترجم می‌تواند آثار ترجمه‌ای خود را به سلیقه خویش برگزیند. بنابراین در اینجا مسئله انتخاب ناشر قبل از انتخاب کتاب و یا بعد از انتخاب آن اهمیت می‌یابد.

۹- انتخاب اثر کلاسیک و متن آموزشی

اینکه یک مترجم در آغاز کار بایستی به سراغ متون کلاسیک برود، سخنی است غیرقابل چون و چرا. اما اینکه برای همیشه از متون کلاسیک دوری بکند، به طور جدی قابل چون و چراست. نیاز به ترجمه متون کلاسیک ضرورت به مراتب بیشتری دارد و اغلب مترجمان از چنین متونی دوری می‌کنند. اما یک مترجم تازه‌کار بایستی جهت‌گیری و مسیر آتی خود را به نحوی تعیین بکند که روزی سراغ متون کلاسیک برود. یکی از مصادیق جالب توجه این نقص، ترجمه کتاب *راهنمای جستار در فاهمه بشری جان لاک* است. این کتاب در سال ۱۳۹۳ منتشر شده است (لو، ۱۳۹۳) اما هنوز از ترجمه خود کتاب مهم *جستار در فاهمه بشری* خبری نیست.

۱۰- انتخاب‌های متنوع و یا انتخاب‌هایی در قلمروی مشخص و ثابت

در جهان امروز کسانی مورد اعتناء جدی هستند که قلمرو پژوهشی تخصصی و جزئی‌ای را برگزیده‌اند و از

پراکنده‌کاری دوری کرده‌اند. در حوزه ترجمه نیز هرچقدر تمرکز مترجم بر حوزه‌های مشخص باشد، اعتبار کار او نیز افزونتر می‌شود. پراکنده‌کاری نه در حوزه ترجمه کاری است ستوده و نه در حوزه پژوهش. بنابراین یک مترجم در همان آغاز کار بایستی قلمرویی مشخص برای خویش برگزیند و در آن حوزه دست به ترجمه بزند. البته اغلب مترجمان ما چنین رویه‌ای را بر نمی‌گزینند و کمتر مترجمی به این اصل پایبند است.

۱۱- محافظه‌کاری یا جسارت در انتخاب؟

هرچند که مترجم اثر، فقط مترجم آن است و نه مؤلف آن، اما ناخودآگاه مواضع نویسنده اثر به مترجم نیز تعمیم داده می‌شود. این مسئله در موضوعات دینی و عرفانی و فلسفی اهمیتی به مراتب بیشتر دارد. به همین دلیل است که مترجمان سعی می‌کنند آثاری را ترجمه نکنند که نه فقط در عبور از سد ممیزی کمتر به مشکل برخورد کند، بلکه مترجم نیز می‌کوشد در جاهایی از اثر که ممکن است مناقشه برانگیز باشد، با اضافه کردن پاورقی و توجیه، مرز خود را با نویسنده اثر جدا بکند. (مثلاً نک: *ادیان زنده جهان*، رابرت هیوم، ۱۳۹۱) فارغ از اینکه چنین کاری مطلوب است و یا نامطلوب، به هر حال مترجمان تازه‌کار نبایستی چنین ملاحظه‌ای را داشته باشند، چون اگر در همان آغاز کار چنین بکنند، ناخودآگاه این کار را رویه خود خواهند ساخت.

هر حرفه و فنی طبیعتاً با کنش‌های ساده‌تر آغاز می‌شود و به سمت کنش‌های پیچیده‌تر می‌رود. ترجمه نیز چنین است. مترجم تازه‌کار بایستی به عنوان اصلی‌ترین مولفه صوری اثری که می‌خواهد ترجمه بکند، به سادگی آن بیش از سایر مؤلفه‌ها و خصوصیاتش اهمیت بدهد.

این نقص بیش از همه در ترجمه متون مربوط به فلسفه دین مشهود است. اگر مهمترین کتب ترجمه شده در زمینه فلسفه دین را مرور بکنید، همگی واجد موضعی محافظه‌کارانه هستند و به همین دلیل است که فیلسوف دینی مانند برنند بلانشارد و یا آنتونی فلو متقدم بکلی در ایران نادیده گرفته شده است و در مقابل مترجمان در معرفتی آلوین پلانتینگا، ویلیام آلتون و آنتونی فلو متأخر فروگذار نبودند.

منابع

- ۱- دهگان، بهمن، (۱۳۵۹)، *کتاب‌شناسی و راهنمای مارکسیسم*، تهران: پیمان.
- ۲- غفوریان، شادی، (۱۳۹۱)، «باید به جوهر زبان رجوع کرد» (گفت و گو با عزت‌الله فولادوند درباره ترجمه متون فلسفی)، مجله مهرنامه، ۲۶، آبان ۹۱، صص ۲۶۳-۲۶۵.
- ۳- گراسمن، ادیت (۱۳۹۱)، «چرا ترجمه مهم است»، در: *ادبیات تطبیقی*، شماره پیاپی ۵، صص ۴۹-۲۶.
- ۴- لرزاده، محمدرضا، (۱۳۹۴)، «ترجمه‌های ماندگار: وداع با اسلحه»، در: *فصلنامه مترجم*، شماره ۵۷، سال ۲۴، صص ۵۱-۵۸.
- ۵- لو، ای جانانان، (۱۳۹۳)، *راهنمای کتاب «جستار در فاهمه بشری» جان لاک*، ترجمه ابوالفضل حقیری، تهران: حکمت.
- ۶- هیوم، رابرت، (۱۳۹۱)، *ادیان زنده جهان*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: علم.